

دولت مانا

---

سرشناسه: قاشق‌ای، سولماز، ۱۹۳۶ م. Kashkai, Solmaz Mir-Taghy gyzy  
عنوان و نام پدیدآور: دولت مانا/ سولماز قاشق‌ای؛ ترجمه پرویز زارع شاهمرسی.  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۳۵ص.: مصور.  
شابک: ۵ - ۰۳۵ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۱ - ۱۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: ایران - تاریخ - پیش از اسلام  
موضوع: آذربایجان - تاریخ  
شناسه افزوده: زارع شاهمرسی، پرویز، ۱۳۵۰ -، مترجم  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۲۹ق/ ۱۹۵ DSR  
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۰۱۲۸۰۸

---

# دولت مانا

سولماز قاشقاي

ترجمه پرويز زارع شاهموسي



این کتاب ترجمه‌ای است از:  
**МАННА ДӨВЛӘТИ**  
Солмаз Гашгај  
Азәрбајчан Дөвләт Нәшријјаты, 1993



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،  
شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶ ۴۰ ۸۶ ۴۰

\* \* \*

سولماز قاشقای

دولت مانا

ترجمه پرویز زارع شاهمرسی

چاپ اول

۷۷۰ نسخه

۱۳۹۲

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۵ — ۰۳۵ — ۲۷۸ — ۶۰۰ — ۹۷۸

ISBN: 978 — 600 — 278 — 035 — 5

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۹۰۰۰ تومان

## فهرست

پیشگفتار مترجم.....	۷
پیشگفتار نویسنده.....	۹
۱. شرح مختصری از منابع.....	۱۱
شرایط جغرافیایی سرزمین آذربایجان.....	۳۳
۲. ترکیب قومی سرزمین آذربایجان در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد.....	۳۵
۳. تاریخ سیاسی و تشکیل دولت در سرزمین آذربایجان در اوایل هزاره نخست قبل از میلاد.....	۵۳
ظهور دولتشهرها و جامعه طبقاتی در سرزمین آذربایجان.....	۵۳
شهرهای مانا و زندگی شهری.....	۵۸
ظهور دولت مانا.....	۶۴
۴. دین و حیات اقتصادی مانا.....	۸۳
کشاورزی.....	۸۳
دامداری و پرورش اسب.....	۸۷
صنعتگری و مسئله مواد خام.....	۹۱
آداب خاکسپاری.....	۱۰۷
زندگی معنوی و باورهای دینی.....	۱۰۸
نتیجه.....	۱۱۲
تصاویر.....	۱۱۵
منابع و مأخذ.....	۱۲۱
نمایه.....	۱۲۹



## پیشگفتار مترجم

تمدن‌های گمشده یا جوامع باستانی کم‌تر شناخته‌شده، عرصه شورانگیزی‌اند که همواره توجه و رغبت آدمیان را به خود معطوف می‌کنند. در این میان این پرسش‌ها خود را نمایان می‌سازند که این تمدن‌ها چه تفاوت و تشابهی با تمدن‌های کنونی داشته‌اند؟ انسان‌های آن دوران از نظر دینی و فرهنگی بر چه باورها و رفتارهایی بوده‌اند؟ این تمدن‌ها چه تأثیراتی در تمدن‌های بزرگ بعدی و حتی در ادیان و احتمالاً کتب مقدس گذاشته‌اند؟

آنچه باید گفت این است تمدن‌های بزرگ ریشه در تمدن‌های کوچک دارند و بررسی جوامع کوچک گامی است اساسی برای شناخت ماهیت امپراتوری‌های پهناور. دیگر این‌که مناطق شمال باختری ایران و به‌ویژه نواحی پیرامون دریاچه اورمیه، مهد تمدن‌های باستان و میدان کشمکش‌های بسیار مهم فرهنگی و سیاسی و اجتماعی بوده است. دولت‌های نیرومند و قهاری چون آشور، اورارتو و ماد هر کدام در اندیشه دست یافتن بر این نواحی بوده‌اند و این خود از اهمیت فراوان این ناحیه حکایت دارد.

بیهوده نیست که به دلیل همین رونق تمدنی در این ناحیه، زمینه برای پیدایی دولت‌های تأثیرگذاری چون دولت مانا آماده شده و، بعدها نیز این سرزمین، بنا به روایتی، زادگاه زرتشت پیامبر بزرگ مشرق‌زمین شد. اگر در نظر بگیریم که پیدایش ادیان بزرگ تنها بر پایه ریشه‌های مشخص تمدنی و فرهنگی و در سرزمین‌های خاص امکانپذیر است، آن‌گاه به این نکته پی خواهیم برد که چرا سرزمین‌های پیرامون دریاچه اورمیه در تاریخ و فرهنگ این بخش از جهان، تا به این حد اهمیت دارند.

کتاب حاضر به بررسی فراز و فرود دولتی می‌پردازد که حلقه واسط میان اتحادیه اقوام باستان و امپراتوری‌های بعدی است. آنچه این کتاب به عنوان هدف در پیش گرفته، ارائه منظری مختصر ولی کافی از این دولت باستانی است. نویسنده برای انجام

دادن این کار با مهارت تمام، بررسی یافته‌های باستان‌شناختی را با تحلیل تاریخی همراه ساخته است.

سولماز میرتقی قیزی قاشقای یکی از باستان‌شناسان برجسته آذربایجانی است که سابقه همکاری فراوانی با اشخاصی چون ایگور دیاکونف باستان‌شناس و مورخ مشهور روس دارد<sup>۱</sup> که خواننده ایرانی با کتاب ارزشمند و نفیس او یعنی *تاریخ ماد* آشناست. آگاهی نویسنده به زبان‌های باستانی، موجب شده تا مطالب به صورتی منسجم و مستند بیان شوند و اعتماد خواننده را جلب کنند. تاکنون کتاب‌های زیر از سولماز قاشقای منتشر شده است:

1. ИзИстории Маннейсково Царства, Баку, 1977.
2. Манна Дөвләти, Баку. 1993.
3. Qədim Azərbaycan tarixi mixi yazılı mənbələrdə. Bakı. 2006.
4. Ön Asiyada miqrasiya proseslərinə dair. Bakı. 2009.

متن اصلی کتاب حاضر با نام *МАННА ДӨВЛӘТИ* در سال ۱۹۹۳ توسط انتشارات دولتی آذربایجان در شهر باکو منتشر شده است. کتاب در راستای فعالیتی مستمر و جدی در تاریخ‌نگاری شوروی نسبت به تاریخ تمدن‌های باستان تهیه شده و ادامه کتاب‌های دیگری چون *تاریخ اورارتو، تاریخ ماد، تاریخ آتورپاتکان* و... است. مترجم در مسیر دشوار ترجمه این کتاب، کوشیده است تا ضمن حفظ امانت، برخی توضیحات را نیز در پاورقی اضافه کند. همچنین کتاب اصلی فاقد تصاویر مناسب بود که این نقیصه نیز برای آگاهی بیش‌تر خواننده با افزودن تصاویر مرتبط رفع گردید.

پرویز زارع شاهمرسی  
تبریز. لیل آباد  
۱۳۹۱/۴/۲۰

۱. نمونه این همکاری، مقاله مشترکی با مشخصات زیر است:

I. M. Diakonoff and S. M. Kashkai. Répertoire Géographique des Textes Cunéiformes, band 9, Wiesbaden 1981 .



## پیشگفتار نویسنده

دولت مانا نخستین ساختار کلان دولتی در سرزمین آذربایجان است که در منابع مکتوب ذکر شده است. تاریخ طوایف مختلفی که در تشکیل و تحکیم دولت مانا در این سرزمین شرکت داشتند و همچنین تاریخ خود دولت مانا که در نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد به یکی از نیرومندترین دولت‌های شرق نزدیک تبدیل شد، جالب توجه است.

در منابع علمی مربوط به شرق باستان، تاریخ سیاسی و به‌ویژه اقتصادی اهالی ساکن سرزمین‌های پیوسته به دریاچه اورمیه در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد، بسیار ضعیف ارائه شده است. با وجود این، ما در باره دولت‌های همسایه چون آشور و اورارتو، صاحب تاریخی کامل‌تر هستیم.

اگرچه منابع مکتوبی وجود دارند که در باره روابط متقابل و منظم میان همسایگان در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد، اطلاعاتی ارائه می‌کنند ولی ایالات حوزه اورمیه از کانون این پژوهش‌ها برکنار مانده‌اند. مانا نقش بسیار مهمی در اتحادیه طوایف کوچک یا کنفدراسیون دولت‌شهرهای مختلف ایفا کرده است. این دولت بارها از کشمکش‌های ارضی آشور و اورارتو به نفع خود بهره برده است.

مانا، پس از افول و نابودی دولت آشور، تابع دولت ماد شد که از اواسط هزاره نخست پیش از میلاد به قدرتمندترین دولت آسیای نزدیک تبدیل شده بود. اگرچه مانا تابع ماد بود ولی هنوز توسعه‌یافته‌ترین بخش ماد از نظر اقتصادی و فرهنگی بود.

علت اساسی شناخت ضعیف این سرزمین، عدم کاوش‌های باستان‌شناسی مداوم در این جاست. همه منابع باستان‌شناختی به صورت تصادفی یافت شده‌اند یا عبارت از اشیاء مختلف مدفون هستند. کاوش‌های باستان‌شناسی در سکونتگاه حسنلو واقع در ساحل

جنوبی اورمیه، دینخواه تپه و گوی تپه در آن نزدیکی، هفتوان تپه در ساحل شمال غربی و وادی سفیدرود، منابع مختلف و پربار باستان‌شناسی را به همراه داشته‌اند. از آثار یافت‌شده در منطقه نخجوان نیز موارد مشابه به مقدار زیاد به دست آمده است.

این دستاوردها تعمیق طبقه‌بندی اجتماعی، سطح بالای تولید کار و تولید توسعه‌یافته صنعتگری و... را نشان می‌دهد. دلایل مادی تمدن به ما امکان می‌دهد تا معلومات منابع مکتوب آشور و اورارتو را گسترده‌تر و همه‌جانبه‌تر بفهمیم. در اثر حاضر می‌کوشیم تا حد امکان معلومات منابع مکتوب و دانسته‌های حاصل از منابع مادی را جهت ارائه تصویری روشن از حیات و معیشت اهالی ساکن حوزه اورمیه در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد به دست دهیم.

پژوهش‌های جدید در کاوش‌های باستان‌شناسی و منابع جدید امکان می‌دهد تا پرسش‌های در سایه مانده را پاسخ دهیم، مسائل مطرح‌شده را حل کنیم یا از منظری دیگر به آن‌ها بنگریم.

## شرح مختصری از منابع

سرزمین آذربایجان به دلیل موقعیت جغرافیایی اش، در طول اعصار تحت تأثیر یا هجوم مداوم هم دول همسایه و هم بدون تردید گروه‌های طایفه‌ای بسیاری واقع شده که برخی از آن‌ها در آن جا ساکن شده، با اهالی بومی جوشیده، تمدن جدیدی آورده و در بسیاری اوقات نیز وارث تمدن موجود شده‌اند.

سرحدات آذربایجان معاصر پس از هزارهٔ دوم پیش از میلاد و به‌ویژه در هزارهٔ نخست پیش از میلاد، در کتاب‌هایی که از حملات نظامی حکمرانان آشور و اورارتو بحث می‌کنند، «کشورهای» قدیمی ذیل را شامل می‌شود: «کشورهای» قدیمی و کوچکی که هنوز هم کاملاً شناخته نشده‌اند و مانند زاموآ، گیلزان، آلابریا، مسی، مانآ، پارسوآ، اوئیشدیش، گیزیل بوندا، آندیا، زیکرتو، سانگی بوتو و پولوآدی در اطراف دریاچهٔ اورمیه به‌ویژه در جنوب و شرق آن، به هدف منظم برای حملات دولت‌های قدرتمند آشور و اورارتو تبدیل شده بودند.

از سدهٔ نهم پیش از میلاد مانآ در میان این کشورها رو به تمایز نهاد و در اوایل سدهٔ هشتم پیش از میلاد، به دولتی بزرگ تبدیل شد. آن دولت به تدریج ولایات همسایه را تصرف کرد و سرحدات خود را گسترش داد. مانآ در برابر حکمران آشور سرسختانه ایستادگی کرد و سپس به مبارزه با اورارتو پرداخت.

اگرچه اطلاعاتی وجود دارد که حکمران مانآ به افتخار سارگن دوم فرمانروای آشور کتیبه‌ای برپا داشته ولی متأسفانه معلومات کتبی خود حکمران مانآ به ما نرسیده است. همهٔ

اطلاعات در باره تغییرات قومی در این سرزمین، ظهور و سقوط دولت‌های مختلف، وضعیت سیاسی آن‌ها و سطح تولید آن دوره، اساساً از منابع آشور و اورارتو که بیرون از مانا یافت شده‌اند و کتیبه‌های سنگ‌نبشته چندی اخذ شده‌اند که در شهرها و دژهای ویران‌شده بر اثر حملات اشغالگرانه این دو دولت به یادگار مانده است.

در سال‌های اخیر در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی مداوم در مناطق مختلف حوضه اورمیه، اطلاعات نسبتاً گسترده‌ای در باره تمدن مادی طویف ساکن این سرزمین به دست آمده است.

معلومات منابع میخی، همواره و عادتاً بسیار فشرده است. در آن‌ها تنها اطلاعاتی از حملات ظفرمندانه حکمرانان مختلف بیگانه وجود دارد که هرگز از مغلوبیت و ناکامی خود سخن نمی‌گویند. منابع میخی آشوری توسط بسیاری از پژوهشگران نشر و پژوهش شده‌اند.

در گزارشی که سارگن دوم (۷۲۲-۷۰۵ قبل از میلاد) پادشاه آشور در باره سفر جنگی خود به اورارتو تقدیم خداوند آشور کرده، اطلاعات نسبتاً گسترده‌ای پیرامون حوادث رخ داده در دولت مانا وجود دارد. این کتیبه را ف. تورودانژن منتشر کرده است.<sup>۱</sup> ترجمه روسی کتیبه‌های مربوط به تاریخ اورارتو و شرح گسترده دیگر منابع در اثر دیاکونف داده شده است.<sup>۲</sup> در ادوار مختلف نیز سنگ‌نبشته‌ها و نامه‌های فرمانروایان مختلف آشور، توسط آشورشناسان منتشر شده است.

انتشار مجموعه همه کتیبه‌های شناخته‌شده فرمانروایان آشور مربوط به آن دوران را د. د. لوکنیل انجام داده است.<sup>۳</sup> در منابع زیر نیز معلومات افزون‌تری راجع به مانا و کشورهای همسایه آن وجود دارد. آ. هیدلین در باره «تار و مار شدن اهالی مانا این گوتی‌های شورش» اطلاعاتی ارائه می‌کند.<sup>۴</sup> در این‌جا از کیمرها و اسکیت‌ها یاد می‌شود که به رهبری ایشپاکای با مانا متحد شدند (ایشپاکای سپس در نبرد کشته شد). کامرون در اثر خود از یورش نظامی به زاموآی داخلی و از اشغال شهرها در سرزمین ایدا بحث می‌کند که

1. F. Thureau-Dangin. Une relation de I huitieme campagne de Sargon Paris, 1912.

2. И. М. Дьяконов «Ассиро-вавилонские источники по истории Урарту».

3. D. D. Luckenbill. Ancient Records of Assyria and Babylonia, I-II Chicago, 1926-1927.

4. A. Heydelin. «A New Hexagonal Prism of Esarhaddon» («Sumer», XII, 1956).

### فصل اول: شرح مختصری از منابع / ۱۳

نام آن‌ها روی ظرف سنگی یافت شده در حسنلو آشکار شده است.<sup>۱</sup> ن. ساکس نامه‌های زاموآ و ماناها را به چاپ رسانده که از نیمروند یافت شده است.<sup>۲</sup>

کتیبه‌های جدید فرمانروایان آشور یعنی تیگلت پیلسر سوم (۷۴۴-۷۲۷ قبل از میلاد) و سارگن (۷۲۲-۷۰۵ قبل از میلاد) توسط ل. لوین منتشر شده‌اند.<sup>۳</sup> در کتیبه نخست، نام ایرانزو حاکم مانا و تالتان حاکم الیبی (که از کتیبه‌های سارگن دوم برای ما شناخته شده است) وجود دارد. در این جا از خراجی بحث می‌شود که آن‌ها بر حاکمان کشورهای نامری و سانگی‌بوتو و دیگر حاکمان کشورهای کوهستانی گذارده و همچنین ستون‌هایی که آنان در این سرزمین‌ها برپا کرده‌اند.

اخبار منابع آشور را معلومات حکمرانان اورارتو تکمیل می‌کند. متون اورارتو در ادوار مختلف، توسط دانشمندان جداگانه یافته و منتشر شده‌اند. آن‌ها به شکل عمومی توسط ف. کونیش چاپ شده‌اند.<sup>۴</sup>

گ. ملیکیشویلی مجموعه کامل کتیبه‌های اورارتو را به زبان روسی ترجمه و شرح و منابع آن را در اثر خود به چاپ رسانده است.<sup>۵</sup> ملیکیشویلی کتیبه‌های یافت شده بعدی را در مجله تاریخ شرق باستان منتشر کرده است.<sup>۶</sup> کتیبه‌های یافت شده در سرزمین آذربایجان، جهت مکان‌یابی اهمیت فراوان دارند. فرمانروای اورارتو (۸۱۰-۷۸۰ پیش از میلاد) در سنگ‌نبشته داش‌تپه در ساحل جنوب شرقی دریاچه اورمیه، اطلاعاتی پیرامون اشغال شهر میستا و یورش نظامی به کشور مانا ارائه می‌کند. در خرابه‌های گالاتنگاه در وادی اشنویه در جنوب دریاچه اورمیه، کتیبه‌ای به دست ما رسیده که مربوط به دوران حکمرانی مشترک منوآ و ایشپوئینی (۸۱۰-۸۰۵ پیش از میلاد) است.<sup>۷</sup> دو کتیبه که در دامنه جنوبی کوه سبلان، در شمال شرق سراب و بر راه تبریز به اردبیل یافت شده، توسط ب. وارن منتشر شده‌اند.<sup>۸</sup> هر

1. G. G. Kameron. «The Annals of Salmaneser III, King of Assyria» («Sumer», VI, 1950).

۲. ن. ساکس نامه‌هایی را که نام زاموآ و ماناها در آن‌ها آمده و از نیمروند کشف شده، چاپ کرده است. نگاه کنید به:

The Nimrud Letters. «Iraq», XX, 2, 1958.

3. L. D. Levine. Two Neo-Assyrian Stelae from Iran. «Royal Ontario Museum». 23, 1972.

4. F. W. König. Handbuch der chaldischen Inschriften, I-II, Graz, 1955-1957.

5. Г. А. Меликишвили, «Урартские клинообразные надписи» (М., 1960).

6. «Вестник Древней Истории» 1971. № 3 - 4.

7. O. W. Muscarella. Qalatgah: An Urartian Site in Northwestern Iran. Expedition, 1971, 13, 3-4, p. 47.

8. B. S. Varren (Two Urartian Inscriptions from Azerbaijan. JCS, XIX, 2, 1965).

دو کتیبه که یکی شانزده و دیگری دوازده سطر دارد، مربوط به آرگیشتی پسر روسا (۷۱۴-۶۸۵ پیش از میلاد) است. یک سنگ‌نبشته دیگر اورارتو که از بخش شمالی آذربایجان از روستای سغندل در نزدیکی شهرستان ورزقان پیدا شده، توسط محمد جواد مشکور استاد دانشگاه تبریز منتشر شده است. کتیبه توسط گ. ملیکیشویلی خوانده و چاپ شده است.<sup>۱</sup>

بر اساس کتیبه‌ها، امکان مکان‌یابی کشور پولوآدی که در سالنامه سارگن دوم (۷۶۰-۷۳۰ پیش از میلاد) معلوم شده و همچنین لیلیونی پایتخت آن (که به نظر ملیکیشویلی در نزدیکی مکان یافت کتیبه‌ها بوده) به وجود آمده است. فعلاً آنچه از منابع میخی بر ما معلوم شده، وجود «کشور شمالی» پولوآدی به عنوان قدیمی‌ترین دولت در سرزمین آذربایجان است. منابع لازم جهت یافتن مکان جغرافیایی ذکر شده در منابع اورارتو، در اثر دیاکونف و س. قاشقای گرد آمده‌اند.<sup>۲</sup>

جاینام‌ها و آبنام‌ها در سالنامه‌ها یا کتیبه‌هایی آمده که در باره سرحدات دولت خود بحث کرده یا بر صخره‌های مناطق اشغال‌شده یا در بیش‌تر اوقات در سکونتگاه‌ها یا نزدیکی شهرها و دژهای بازسازی‌شده، نصب گردیده و از پیروزی‌های فرمانروایان اورارتو بحث می‌کنند. این‌ها امکان می‌دهد تا خویشاوندی زبانی اهالی بومی، شرایط اجتماعی آن و تراکم اهالی را تخمین بزنیم.

چه کتیبه‌های ظفرنامه‌ای فرمانروایان و چه مکاتبات آن‌ها با اتباع خود که کتیبه‌های آشور و اورارتو را تشکیل می‌دهند، تا حدی بخشی از تاریخ ایالات گفته‌شده را روشن می‌کند. اگرچه این کتیبه‌ها بسیار یک‌جانبه هستند ولی تا حد معینی امکان می‌دهد تا مراحل رشد و قدرت‌گیری دولت‌های حوضه اورمیه را از نظر بگذرانیم. این‌ها زمینه لازم جهت فهم تاریخ سیاسی و بخش‌های اقتصادی دولت‌های قدیم آن‌ها را فراهم می‌کند. متون میخی یگانه منبعی هستند که مطالب ساختاری (قومی، مکانی و انسان‌شناسی) را برای تعیین مناسبت‌های زبانی اهالی این سرزمین ارائه می‌کنند.

معلوماتی که از آثار باستانی یافت‌شده در زمان کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده تا حد معینی معلومات ناتمام منابع مکتوب را در باره سرزمین مورد پژوهش ما تکمیل

1. «Вестник Древней Истории», 1960, № 3; 1971, № 3.

2. I. M. Diakonoff and S. M. Kashkai. Répertoire Géographique des Textes Cunéiformes, band 9, Wiesbaden 1981.

می‌کنند. کاوش‌های باستان‌شناسی در سرزمین آذربایجان تا ادوار اخیر به صورت بسیار محدود انجام می‌شد.

پس از مأموریت مورگان<sup>۱</sup> در طالش و طول رود آستارا که یافته‌هایش اساساً به دوره مفرغ و آغاز دوره آهن مربوط می‌شود، ا. اشمیت در سال ۱۹۴۰ با هواپیما از بقایای سکونتگاه‌های قدیمی تصویربرداری کرد.<sup>۲</sup> در سال ۱۹۳۶ آ. استین<sup>۳</sup> کشفیات باستان‌شناسی در بخش‌های جنوبی سرزمین آذربایجان را انجام داد و در سال ۱۹۴۰ نیز برخی کاوش‌ها توسط اداره باستان‌شناسی ایران انجام گرفت ولی این کاوش‌ها چندان نتایج مهمی به بار نیاورد.

اگر کاوش‌های باستان‌شناسی اساسی مستقیم و مربوط به مانا و همسایگان آن‌ها انجام نمی‌شد، طبیعتاً تعیین ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی آن‌ها ممکن نبود. این خلأ را نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در سرزمین مانا، یعنی مناطق مختلف اطراف دریاچه اورمیه پر می‌کنند. اشیایی که از آن‌جا به دست آمده، یافته‌های بسیار جدیدی جهت بررسی توسعه جامعه و تغییرات حیات اقتصادی و معنوی آن ارائه می‌کند.

عملیات حفاری در گوی‌تپه در ساحل غربی دریاچه، در مأموریتی به سرپرستی ت. برتون‌براون و توسط گروه باستان‌شناسی بریتانیا انجام گردید.<sup>۴</sup> طبقات تپه اصلاً باز نشده بود. در این‌جا چند نقطه حفر و تعداد هشت طبقه مرتب کشف شد که دوره‌ای طولانی از هزاره سوم پیش از میلاد تا دوره اسلامی را شامل می‌شود. از قبر «K» مربوطه به دوره «V» متعلق به

1. *H. de Morgan. Recherches au Talyche Persan. Paris, 1901.*

2. *E. F. Schmidt. Flights over Ancient Cities of Iran. Chicago, 1910.*

3. *A. Stein. An Archaeological Tour in the Ancient Persia. "Iraq", III, 1936.*

۴. برخی پژوهشگران ایالت گیلان را در این‌جا مکان‌یابی می‌کنند. نگاه کنید به:

И. М. Дьяконов. «Ассиро-вавилонские источники по истории Урарту», № 28, یادداشت  
И. Алиев. История Мидии. Баку. 1960, p. 40.

س. یرمیان در اطلس جمهوری شوروی ارمنستان (۱۹۶۱) ایالت شاتیراگان را در غرب دریاچه اورمیه و گیلان را در جنوب دریاچه وان جای می‌دهد. گرانوفسکی گیلان را در بالادست رود زاب بزرگ و حتی غربی‌تر از آن جای می‌دهد. نگاه کنید به:

*E. A. Грантовски. «Ранняя история иранских племен Передней Азии» М., 1970, p.123.*

ما موافق مکان‌یابی ایالت گیلان در غرب دریاچه اورمیه هستیم بدین دلیل که می‌توان گفت در متون باستانی، همواره نام این ایالت با زاموآ و مانا آمده است.

اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، اشیاء مربوط به این دوره به دست آمده است. طبقه «A» با یافته‌هایی از سفال سرخ و خاکستری سیاه به اوایل هزاره اول پیش از میلاد مربوط می‌شود. دسته‌های این ظروف اشکال برجسته حیوانی دارند.

سفال گوی‌تپه دارای خطوط مشترک با ادوار چهار و پنج حسنلو است. بسیاری از اشکال سفال‌ها در این‌جا همانند حسنلو، با ادوار پیش از خود متمایز هستند. در این دوره لوله خمیده ظروف، به شکل افقی دراز تغییر می‌یابد. از میان اشیاء فلزی نیز تنها قسمتی از دسته شمشیر آهنی یافت شده است.

سنگ‌تراشه‌هایی با شکل حیوان که کناره‌هایش علائم هیروگلیف دارد، خاص گوی‌تپه است. ت. برتون‌براون یافته‌های گوی‌تپه را با یافته‌های قفقاز و حوزه مدیترانه مقایسه می‌کند.<sup>۱</sup>

کاوش‌های باستان‌شناسی در یانیق‌تپه<sup>۲</sup> در جنوب شرقی تبریز انجام می‌شود ولی این کاوش‌ها فعلاً نتایج بسیار کمی داشته است. یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به اوایل هزاره نخست پیش از میلاد نشان می‌دهد که ساخته‌های سفال خاکستری هماهنگ با دوره «Grey Ware Phase» (محصولات سفال خاکستری) به لحاظ عددی برتری دارند.

کاوش‌هایی که عزت‌الله نگهبان، استاد دانشگاه تهران، در تپه مارلیک واقع در وادی پایین‌دست رود قزل‌اوزن (سفیدرود) انجام داده، نتایج و یافته‌های پرباری داشته است. در آن‌جا قبرستانی قدیمی یافت شده که به نظر نگهبان، از جهت سازه پربار گورها، متعلق به نسل فرمانروایان و اعیان است.

مردگان با همه وسایل که در زمان حیات به کار می‌بردند، از ظروف آشپزخانه گرفته تا ظروف زیبای آیینی تا زیورآلات و همچنین شکارچیان و جنگاوران با سلاح‌هایشان تجهیز می‌شدند. علاوه بر این، ویژگی قبرستان مارلیک دفن جداگانه اسب‌ها با ادواتشان است. پیداست که اسب در حیات ساکنان قدیم مارلیک نقش مهمی داشته است.

محصولات سفالی و زرگری یافت‌شده در مارلیک، مطالب بسیاری در مورد ذوق و

1. T. Burton-Brown. Excavations in Azarbaijan, 1948, London, 1951.

۲. در این سرزمین کشورهای سوبی، باری و اوئیشدیش قرار داشتند که تابع مانا بودند ولی فرمانداری از مانا بر رأس آن‌ها نبود. نگاه کنید به:

I. I. M. Дьяконов, «Ассиро-вавилонский источники по истории Урарту», № 42, 33.



## فصل اول: شرح مختصری از منابع / ۱۷

مهارت و تکنیک بالای صنعتگران آن دوره می‌گویند. باید این را نیز گفت اعیان محلی که راضی شده‌اند محصولات هنری (که با ظرافت و زحمت فراهم شده‌اند) با مردگان دفن شوند، به اندازه کافی ثروتمند بوده‌اند.

عزت‌الله نگهبان این گورها را به سده نهم پیش از میلاد مربوط می‌داند ولی بر آن است که برخی اشیای این گورها مربوط به پیش‌ترها بوده‌اند. یافته‌های مارلیک شباهت‌هایی را میان هنر میتانی و اورارتو با محصولات طالش، گیلان و مازندران آشکار می‌سازد.

درست به همین جهت نیز عزت‌الله نگهبان احتمال می‌دهد «حکمرانی مارلیک» که در آستانه تنزل دولت میتانی<sup>۱</sup> و تشکّل دولت ماد<sup>۲</sup> تشکیل شده بود، این ایالات را از نظر اقتصادی و سیاسی رهبری می‌کرد. این نتیجه چندان هم دقیق نیست چرا که مؤلف فاصله زمانی بسیار طولانی یعنی هزار سال را نشان می‌دهد. علاوه بر این دولت مارلیک حتی بدون برتری سیاسی نیز می‌توانست در نتیجه روابط متقابل، بر طوایف همسایه تأثیر بگذارد یا تأثیر بپذیرد.

گروه باستان‌شناسی ایران تحت سرپرستی علی حاکمی، در محلی به نام کلوراز در نزدیک مارلیک در وادی رود قزل‌اوزن، کاوش‌های باستان‌شناسی انجام می‌دهد. در نتیجه این کاوش‌ها، بقایای بناهایی کشف شد که پی‌آن‌ها از سنگ و روی آن‌ها از چوب بوده است. کمی آن‌سوتر از این بقایا، گورستان جای گرفته است. علی حاکمی بنا بر منابع قدیمی<sup>۳</sup>، احتمال می‌دهد که این تمدن به طوایف مارد ساکن وادی رود قزل‌اوزن متعلق است. یافته‌های کلوراز به هزاره نخست پیش از میلاد مربوط هستند.<sup>۴</sup>

گنجینه‌ای که در نزدیکی سقز و متعلق به ساکنان روستای زیویه پیدا شده، جالب توجه

---

۱. دولت میتانی در اوایل هزاره دوم پیش از میلاد در بین‌النهرین علیا تشکیل یافته بود. این دولت از کرکمیش تا کوه‌های کاشیوار را احاطه می‌کرد. در قدرتمندترین زمان خود، آشور و دیگر کشورها را اشغال کرده بود. دولت میتانی در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد توسط آشور سرنگون شد. نگاه کنید به:

*V. B. Struve. История Древнего Востока. Л., 1941, p. 255–260; Г. А. Меликишвили, Наир-Урарту, Тбилиси, 1954, p. 93–104.*

2. *E. O. Negahban. A Preliminary Report on Marlik Excavations. Tehran, 1964; Notes on some Objects from Marlik, "Journal of Near Eastern Studies", XXIV, 4, 1965.*

3. *Strabon, IX, 13, 3.*

4. *A. Hakemi. Kaluraz et la civilization des Mardes. "Archaeologie vivant" I, Paris, 1968.*

است. به باور گیرشمن، اسکیت‌هایی که این‌جا را گرفته‌اند، نام خود را به آن داده‌اند و واژه «سقر» از واژه «سکا» [اسکیت] گرفته شده است.<sup>۱</sup>

نام روستای زیویه با نام قلعه مآنا مقایسه می‌شود که در کتیبه‌های سارگن دوم و آشوربانیپال به صورت زیبیا، ایززیبیا و اوزبیا آمده است.<sup>۲</sup> بنا به تصویر مناطقی که ر. دایسون پژوهش کرده، ظاهراً زیبیا نام شهر یا سکونتگاه نیست بلکه نام یک اردوگاه نظامی بوده که بر سر راه‌های منتهی به سکونتگاه‌های مهم قرار داشته است.<sup>۳</sup>

اشیاء گنجینه زیویه به سده‌های نهم تا هفتم پیش از میلاد مربوط است.<sup>۴</sup> در گنجینه زیویه قدرت‌گیری (تجاوز) همسایگان نیرومند از یک طرف و دوره «هرج و مرج» آغاز شده با جریان شدیدتر طوایف کوچرو جدید از طرف دیگر، انعکاس خود را یافته است. همه این‌ها موجب تغییرات در اشکال اقتصادی، موجودیت موازی و اختلاط اسلوب‌های مختلف هنر تصویری اهالی شد.

پتروفسکی که اشیاء طلایی با اسلوب اسکیت در زمینه زیویه را با آثار هنری تپه‌های باستانی اسکیت در حوضه کوبان و سواحل شمالی دریای سیاه مقایسه کرده، آن‌ها را به اواخر سده هفتم و اوایل سده ششم پیش از میلاد مربوط می‌داند.<sup>۵</sup>

بارنت گنجینه زیویه را حاصل دفن مشترک اشیاء حاصل از اسلوب‌های جداگانه در ادوار مختلف می‌داند. او همه این اشیاء را بنا بر شکل و تصاویر تابوت‌های سنگی، به اواخر سده هفتم پیش از میلاد مربوط می‌داند.<sup>۶</sup>

گودارد بیش‌تر اشیاء و گیرشمن تنها بخشی از آن‌ها را از نظر منشأ، بومی می‌داند. او بقیه را به آشوریان یا اسکیت‌ها مربوط می‌داند. گودارد در آثار اولیه و بعدی خود احتمال می‌دهد که اسکیت‌ها هنر مآناها را پذیرفته و در سایه این اقتباس، بعدها «اسلوب حیوانی اسکیت» را آفریدند که در آسیای نزدیک و روسیه مرکزی انتشار یافت.<sup>۷</sup>

1. Excavations in Kaluraz, Gilan. "Bulletin of the Asia Institute Pahlavi University", 3, 1973.

2. R. Ghirshman. Le Trésor de Sakkez. "Artibus Asiae", XIII, 3, 1950. p. 201.

3. И. М. Дьяконов, «Ассиро-вавилонские источники по истории Урарту» № 46; И. М. Дьяконов. История Мидии. М.-Л., 1956, p. 247.

4. R. H. Dyson. Archaeological Scrap Glimpses of History of Ziwiye Expedition, v, 3, 1963. pp. 32-37.

5. Б. Б. Пиотровский. Ванское царство. М, 1959, p. 255.

6. R. D. Barnett. The Treasure of Ziwiye. "Iraq", XVIII, 2, 1956, pp. 111-115.

7. A. Godard. Le Trésor de Ziwiye. Haarlem, 1950; L'Art de Iran, Paris, 1962.

رودنکو در اثر خود<sup>۱</sup> خطوط مشترک هنر آسیای نزدیک (و گاه اشیاء زیویه) و برخی اشیاء یافت شده از تپه‌های باستانی آلتای و شمال دریای سیاه را آشکار می‌کند ولی او فرضیه تأثیر هنر آسیای نزدیک بر هنر طوایف اسکیت را صحیح نمی‌شمارد. او در عین حال اشاره می‌کند که عناصر هنر آسیای نزدیک به‌ویژه «اسلوب حیوانی اسکیت» که به نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد مربوط بوده و در آثار منطقه شمال دریای سیاه به صورت برجسته نمایان است، به مرور زمان و با کم شدن روابط اسکیت‌های دریای سیاه با آسیای نزدیک ضعیف‌تر و ساده‌تر می‌شود.

در سده پنجم پیش از میلاد، هنر یونانی تأثیر خود را در هنر اسکیت‌های دریای سیاه نشان می‌دهد. آرتامونوف نیز موافق نظریه پیدایش هنر اسکیت تحت تأثیر هنر آسیای نزدیک است. او بر آن است که این هنر نه متعلق به اسکیت و نه تمدن ماد است بلکه این هنر ایرانی است که اساس آن جذب میراث هنری میانرودان قدیم توسط مهاجران می‌باشد.<sup>۲</sup> اکنون می‌توان گفت که هنر مانا می‌بایست بر هنر طوایف مهاجر تأثیر می‌نهاد. بدین صورت که در زمان ورود این مهاجران، اهالی مانا یکجانشین می‌زیستند و صاحب تولیدات صنعتگری سطح بالایی بودند. این امر از یافته‌های حسنلو پیداست که مربوط به دوره‌ای پیش از زیویه است.

بزرگ‌ترین منطقه باستان‌شناسی در این ناحیه، سکونتگاهی قدیمی در تپه‌ای نزدیک روستای حسنلو در ساحل جنوبی دریاچه اورمیه است. تپه حسنلو در مرکز دشت سولدوز و نزدیک رود کادار واقع است. ورود به دشت دشوار است گویا که از هر طرف احاطه شده است: از غرب به کوه‌های زاگرس، از جنوب به کوه‌های کردستان محدود است و با تپه‌های کوچکی از دریاچه اورمیه جدا می‌شود. ورود به این جا تنها از غرب یعنی کلیاشین و گردنه رواندوز و از شرق در طول رود کادار ممکن است.

از سال ۱۹۵۶ گروه باستان‌شناسی آمریکا به سرپرستی ر. دایسون با همکاری اداره باستان‌شناسی ایران، کاوش‌هایی انجام داده است. منطقه حسنلو در ترکیب قلمرو دولت مانا قرار داشت که در کتیبه شلمنصر سوم (۸۵۹ — ۸۲۴ پیش از میلاد) نام برده شده است. سکونتگاه قدیمی که در حسنلو آشکار شده، تاکنون با هیچ شهری که نام آن در منابع میخی

1. С. И. Руденко, «Искусство Алтая и Передней Азии» (Moskva, 1961).

2. М. И. Артамонов. Происхождение скифского искусства. С. А. 4, 1968, p. 28–29.

آمده، مطابقت داده نشده است.<sup>۱</sup> بقایای بناها نشان می‌دهد که این جا یک منطقه مسکونی بزرگ و به خوبی استحکام یافته بود. تپه حسنلو، که منظره مرتبی از تمدن را تا هزاره ششم قبل از میلاد ارائه می‌کند، تا عمق ۲۷/۵ متر حفر شده است. این منظره با استفاده از بقایای سفال موازی در آثار تاریخی و همچنین در نتیجه استفاده از آزمایش رادیوکربن به وجود آمده است.

ر. دایسون یافته‌های حسنلو را به ده دوره تقسیم می‌کند. اشیاء مربوط به دوره ششم تا دهم در تپه‌های نزدیک تپه حسنلو قرار دارند. دوره‌های چهارم و پنجم با تنوع و پرباری خود بسیار متمایز هستند.

دوره پنجم که بنا بر شکل محصولات سفالی به نام دوره «Button Base Phase» نامیده می‌شود، مربوط به سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ قبل از میلاد است. از این دوره حسنلو با بناهای کوچک رو به آبادانی می‌نهد. دوره چهارم که با نام دوره «Gray Ware Phase» شناخته شده و به سال‌های ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ قبل از میلاد مربوط می‌شود، متفاوت با ادوار پیشین، با سفال‌های خاکستری سیاه لعابکاری شده مشخص می‌شود. بناهای عظیم و دیوارهای قلعه با برج‌های مربع‌شکل، مربوط به این دوره هستند. این دوره نیز از نظر بقایای بناها، به سه دوره تقسیم می‌شود. با استفاده از بقایای چوب و سنگ بناهایی که پس از ویرانی یا حریق بر جای مانده‌اند، بناهای جدید با ساخت و ساز اضافی و طراحی معماری جدید ساخته شده است.

۱. گرانٹوفسکی احتمال می‌دهد که نام «ایدی» که در کتیبه آشوری مربوط به سده نهم قبل از میلاد آمده، قدیمی‌ترین نام حسنلو است و نام‌های مربوط به آن ثابت می‌کند که اهالی حسنلو تا اواخر سده نهم قبل از میلاد، ایرانی‌زبان نبوده‌اند. نگاه کنید به:

Э. А. Грантовский. «Серая керамика», «Расписная керамика» и индо-иранцы. «Международный симпозиум по этническим, проблемам древней истории Центральной Азии». Душанбе, 17-22 октября 1977 г. М., 1977, p. 16.

م. سالوینی صخره‌نوشته‌ای را در داش‌تپه (تقریباً در چهل کیلومتری شرق حسنلو) که از حملات نظامی ایشپوئینی و پسرش منوآ فرمانروایان اورارتو به شهر مئیسنا و کشور مانا بحث می‌کند، شرح داده و به این نتیجه می‌رسد که شهر مئیسنا نام اورارتویی قلعه قدیمی است که بر بالای تپه حسنلو قرار داشته و حسنلو در زمان حمله چهارم اورارتو ویران شده است. نگاه کنید به:

Мирио Сальвини. Распространение влияния государства Урарту на восток. «II Международный симпозиум по армянскому искусству». Ереван. 1978, p. 1-10.

## فصل اول: شرح مختصری از منابع / ۲۱

از بناهای این دوره، تعدادی اشیاء دارای نوشته یافت شده است: <sup>۱</sup> نام «کاداشمان-انلیل»<sup>۲</sup> روی یک قطعه سنگ، نام «دربار آشوربالیث»<sup>۳</sup> روی یک سرگرز خدشه‌دار و عبارت «دربار بائوری (حکمران) کشور ایدی (اختصاص یافته) به اوشیشی خدای خورشید» بر یک ظرف سنگی وجود دارد. اگرچه ترجمه مورد اخیر می‌تواند موجب تردید باشد<sup>۴</sup> ولی خود نوشته ممکن نیست پس از سده هشتم پیش از میلاد نوشته شده باشد.<sup>۵</sup> به نظر ر. دایسون دوره چهارم با ویرانی قلعه توسط اورارتو و ترک اهالی، پایان می‌یابد.

خرابه‌های دوره سوم یا «Triangle Ware Phase» به صورتی سالم پس از مدتی آشکار شد. این دوره به دو قسمت 3B اول (۷۶۰ تا ۶۰۰ پیش از میلاد) و 3A آخر (۶۰۰ تا ۴۰۰ پیش از میلاد) تقسیم می‌شود. ساکنان جدید با برپایی بناهای موجود در تپه، از آن‌ها استفاده کرده‌اند. آنان سفال‌های هندسی شکل مثلثی (دوره 3B) و سفال‌هایی با رنگ زرد روشن (دوره 3A) فراهم کرده‌اند.

سپس دوره دوم یا «Post Triangle Ware Phase» و دوره اول اسلامی فرا می‌رسند که هنوز به طور دقیق مشخص نشده‌اند.<sup>۶</sup>

یافته‌های باستانی تپه حسنلو، اهمیت زیادی در فهم تاریخ قدیم سرزمین آذربایجان و فلات ایران دارند. تپه حسنلو نه تنها از جهت آشکار شدن گورستان مربوط به سکونتگاه بلکه از جهت حفر کامل سکونتگاه نیز متمایز است. این کاوش‌ها مطابق با اصول بالای علمی

1. R. H. Dyson. The Architecture of Hasanlu. Period I to IV. AJA v. 81, N4, 1977, p. 551.

۲. اگر این نام یکی از فرمانروایان کاسی باشد، در این صورت دوره حکمرانی صاحب این نام در دو مرحله یکی اوایل سده چهاردهم قبل از میلاد و دومی نیمه دوم سده سیزدهم یا اواسط سده سیزدهم قبل از میلاد است. احتمال دارد که این اشیاء متعلق به دوره اول باشند.

۳. دو نفر از فرمانروایان آشور به نام‌های آشوربالیث اول (۱۳۶۵-۱۳۳۰ قبل از میلاد) و آشوربالیث دوم (۶۱۱-۶۰۹ قبل از میلاد) با این نام شناخته شده‌اند.

4. O. W. Muscarella. Hasanlu in the Ninth Century B. C. and its Relation with other cultural centers of the Near East. Chronologies in Old World Archaeology. AJA, 75, 3, 1971, p. 264.

5. R. H. Dyson. Problems of Protohistoric Iran as seen from Hasanlu. JNES, XXIV. 3, 1965, p. 202.

6. R. H. Dyson. Hasanlu and Early Iran. "Archaeology", XIII, 2, 1960; The Hasanlu Project. "Science", 135, 1962; Excavating the Mannaeen Citadel of Hasanlu. "Illustrated London News", 1961; Nine Centure Men in Western Iran. "Archaeology", XVII, I, 1964; In the City of the Golden Bowl. ILN, 1964; W. E. Crawford. Hasanlu 1960. "Bulletin of the Metropolitan Museum of Art", XX, 1961.

هستند و تابلویی کامل از رشد فرهنگی مداوم این منطقه پدید می‌آورند. روش‌های پژوهشی معاصر، ارائه ترتیب زمانی دقیق و معتبر یافته‌های آن‌جا را امکان‌پذیر کرده‌اند. کاوش‌های باستان‌شناسی حسنلو دستاوردهایی در موضوعات شهرسازی، صنعتگری، هنر و بخش‌های مختلف حیات اقتصادی به دنبال داشته است. این دستاوردها امکان می‌دهد تا معلومات منابع نوشتاری را به شکل جدید بفهمیم و تاریخ این منطقه را به طور گسترده مشخص کنیم.

یافته‌های حسنلو با یافته‌های باستان‌شناسی که از تپه‌ها و سکونتگاه‌های قدیمی همجوار پیدا شده، تکمیل می‌شوند. چند تپه کوچک نیز در نزدیکی تپه حسنلو حفاری شده‌اند. این تپه‌ها موارد پربرتری نسبت به طبقات پیشین و مطابق با دوره تپه حسنلو به دست داده‌اند. این دوره‌ها به نام تپه مورد حفاری، نامیده شده‌اند.

در تپه حاجی‌فیروز در ۱/۵ کیلومتری جنوب تپه حسنلو، اشیایی مربوط به دوره قدیمی‌تر از دوره دهم تپه حسنلو (هزاره‌های پنجم و ششم قبل از میلاد) به دست آمده است. در این‌جا آثاری از محصولات سفالی بافته باقی مانده‌اند. تنها این بافت بود که امکان می‌داد گل شکل لازم را بگیرد. سپس بافت را کنار می‌گذاشتند. پس از آن‌که ظروف سفت می‌شد، روی آن را با رویه نازک گل می‌پوشاندند و می‌پختند. ظروف گاه با اشکال هندسی تزیین می‌شد.

حفاری‌های مربوط به ادوار نهم و هشتم، در دالماتپه و پیزدلی تپه انجام شده‌اند. یافته‌های دالماتپه مربوط به اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد است و سفال رنگی را که در آن دوره میان تمدن‌های شرق نزدیک نادر بود، آشکار می‌سازد. ظروف با اشکال هندسی به رنگ‌های صورتی یا شکلاتی یا قهوه‌ای و قهوه‌ای تیره هستند. از اشکال هندسی در ترکیب‌های پرشمار و گیرا، با ذوق هنری والایی استفاده شده است.

پیزدلی تپه به دوره هشتم یعنی اواسط هزاره چهارم پیش از میلاد تعلق دارد. میان تمدن پیزدلی تپه و تمدن یانیق‌تپه در ساحل شرقی دریاچه اورمیه، شباهت یافت می‌شود. در این‌جا اشیایی چون سفال زردفام با اشکال هندسی و سفال قهوه‌ای سیاه، چاقوهایی از جنس سنگ چخماق و کاسه کوچک، میله سفالی و مجسمه‌های کوچک حیوان و... یافت می‌شود.

تحلیل دوره و ارتباط این اشیاء بر اساس آزمایش رادیوکربن و همچنین مقایسه این اطلاعات با موارد آشکار شده در عراق، ایران و ترکیه توسط ر. دایسون انجام گرفته است.

## فصل اول: شرح مختصری از منابع / ۲۳

حفاری باستان‌شناسی در دینخواه‌تپه در ۲۵ کیلومتری غرب حسنلو، به سرپرستی ا. موسکارللا انجام شده است. یافته‌های به دست آمده، یک دوره زمانی طولانی را تشکیل می‌دهند. بقایای بناها با ادوار چهارم و پنجم حسنلو مطابق است و همچنین گورستان‌های دینخواه سوم (سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد) و دینخواه دوم (سال‌های ۱۰۰۰ تا ۸۰۰ پیش از میلاد) به پایان هزاره دوم و آغاز هزاره اول پیش از میلاد مربوط است.

در گورهای دوره دینخواه سوم که سه طرف آن‌ها با خشت خام دیوارکشی شده و تنها از یک طرف گشوده است، مردگان در قبرهای چاهی به شکل فردی دفن شده‌اند. در این جا سفال خاکستری سیاه ساخته می‌شد. اشیایی مانند قوری بدون دسته، خم‌هایی با یک دسته و کاسه‌هایی قوسی‌شکل و با دو سوراخ در این جا مشخص هستند.

کوره‌های سفالیزی، مجموعه بناها و قبرستان‌ها مربوط به دوره دینخواه دوم است. مردگان در گورهایی با اشکال نامنظم که یا از سنگ ساخته شده یا دیوارهایی از خشت خام دارند، دفن شده‌اند. این قبرها نیز از سه طرف دیوارکشی شده و روی آن را با سنگ صاف پوشانده‌اند. علاوه بر این، رسم دفن در ظروف بزرگ که در داخل آن استخوان‌های کودکان یافت شده، اهمیت ویژه‌ای کسب می‌کند.

استفاده از سفال خاکستری سیاه در این دوره ادامه دارد. اگرچه اشکال سابق در بیش‌تر موارد حفظ می‌شد، اشکال جدیدی از جمله کتری‌هایی که با حلقه‌هایی به هم چسبیده‌اند یا ظروف دسته‌دار به شکل سر حیوان و همچنین سلاح‌ها و زیورآلات مفرغی و آهنی نزدیک به دوره چهارم حسنلو، در این زمان پدید می‌آیند.<sup>۱</sup>

موسکارللا در پژوهش‌های خود، رابطه اشیاء هر دو دوره سفال و فلز دینخواه‌تپه را با دیگر آثار یافت‌شده مربوط به همان زمان در ایران و سرزمین آذربایجان بررسی کرده است. تحلیل بقایای استخوان‌های یافت‌شده در حسنلو، در پژوهش‌های ت. راتبون انجام شده است.<sup>۲</sup>

مؤلف تعداد ۱۲۰ اسکلت مرد، زن و کودک یافت‌شده از حسنلو متعلق به هفت دوره (اول تا چهارم، هفتم تا نهم) را از نظر گذرانده است. اکثریت آن‌ها (۸۳ مورد) به دوره چهارم و ۲۱ مورد آن مربوط به دوره پنجم است. ادوار باقیمانده نیز دارای دو یا سه نمونه هستند. همه

1. O. W. Muscarella. The Iron Age at Dinkha Tepe. Iran. AJA, v. 9, 1977.

2. T. A. Rathbun. An Analysis of the Skeletal Material excavated at Hasanlu, Iran. "University of Kansas", 1964.

مردگان روی پهلوی راست و به شکل میجانه دفن گردیده‌اند. مؤلف می‌نویسد که سر ۳۲ درصد از مردگان رو به شمال و سر ۳۱ درصد آن‌ها رو به غرب گذاشته شده است.

ت. راتبون سمت شرق را اساسی می‌شمارد. اندازه‌گیری‌های راتبون، وجود ساکنانی با سر دراز و با تیپ مردمان مدیترانه را نشان می‌دهد. قد متوسط مردان ۱۶۸/۳۲ سانتیمتر و زنان ۱۵۹/۵۵ سانتیمتر است.

م. راد و حاکمی که کاوش‌های مستقلی در گورستان‌های دامنه شمالی تپه حسنلو در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ انجام داده‌اند، در پژوهش خود دفن‌هایی با حالت بی‌سلیقه را شرح داده‌اند. به عقیده آنان ساکنان قدیمی حسنلو در زمان دفن، سمت خورشید را در نظر می‌گرفتند. درست به همین جهت نیز بنا بر موقعیت سال و خورشید، موقعیت سرهای مردگان تغییر یافته است.<sup>۱</sup>

مقاله این دو باستان‌شناس با عنوان نتایج و تصویر کاوش‌های حسنلو که در جلد نخست مجموعه گزارش‌های باستان‌شناسی ایران (تهران، ۱۹۵۰)<sup>۲</sup> چاپ شده، به کاوش‌های حسنلو اختصاص یافته است. این مؤلفان بر اساس گورهای حفاری‌شده، به این نتیجه رسیده‌اند که آداب خاکسپاری در حسنلو، اساساً با آداب مردمان آسیای غربی تفاوت نمی‌کند. اسکلت‌هایی که به صورت جمع‌شده بر پهلوی راست یا چپ گذاشته شده‌اند، رو به سمت خورشید دارند. مؤلفان موارد مشابهی را از یافته‌های کلاردشت، زیویه و... مثال آورده و اشیاء فلزی و استخوانی و سفالی را تحلیل کرده و به رابطه میان هنر هخامنشی با هنر مانا و ماد اشاره کرده‌اند.

بقایای تمدنی که در زمان حفاری گورهای حوضه اورمیه در سال‌های اخیر یافت شده، مطالب منابع نوشتاری در خصوص تجاوز اورارتو را تأیید می‌کنند ولی این بقایا، نشان‌دهنده موقتی بودن سیطره اورارتو است. در تمدن‌های این ولایات آن یکرنگی خاص سکونتگاه‌های مرکز دولت اورارتو وجود ندارد و آداب محلی، جایگاه مهمی را همراه با عناصر تمدنی اورارتو گرفته‌اند.

آثار تمدن باستانی در قسمت‌های غربی سرزمین آذربایجان را گروهی به سرپرستی و.

۱. شرح و نتیجه کاوش‌های حسنلو «سلدوز» سال ۱۹۵۹.

2. Г. П. Михалевич. А. Накими и М. Рад. Описание и результаты раскопок в Хасанлу (Солдуз), С А, 2, 1966.



کلایس کاوش کرده است. در این جا قلعه «سیاه تپه» آشکار شده که با سنگ‌های سیاه آذرین به صورت گوشه‌های قائم‌الزاویه و با نشانه‌هایی از معماری اورارتو ساخته شده‌اند. در آن نزدیکی قلعه‌ای به نام «اوغلو قالا» وجود دارد.

در خرابه تپه کاظم‌باشی در ساحل راست دریاچه اورمیه، بقایای دیوارهای قلعه آشکار شده است.<sup>۱</sup> بقایای بنای یک قلعه در تپه لیوار در نوزده کیلومتری شمال غرب مرند پژوهش شده است. خانه‌هایی که با سنگ تراشیده ساخته شده‌اند، نشانه‌هایی از یک حریق بزرگ دارند. بخشی از دیوارهای قلعه که دارای برج‌هایی در گوشه و میدانچه‌هایی بزرگ است، حفظ شده است. در زمان حفاری، تعداد زیادی سفال اورارتو (تا سده هشتم پیش از میلاد) یافت شده است. مؤلف احتمال می‌دهد که موجودیت قلعه لیوار از جمعیت فراوان دشت مرند در دوره اورارتو خبر می‌دهد و به احتمال فراوان مسیر حمله سارگن دوم از این وادی گذشته است.

در وادی رود ارس در برخوردگاه سرحدات ترکیه، سرزمین آذربایجان و ایران، قلعه‌ای با نام قلاسرنج آشکار شده است. دیوارهای قلعه در جانب غرب، برج‌های نزدیک به هم و در جانب شرق برج‌هایی با فاصله دارند. در هشت کیلومتری شمال شرق اوشنو-نقده ویرانه‌های بنایی وجود دارد که بنا به یافته‌های سفالی، مربوط به دوره اورارتو است. دیوارهای این بنا از تگه سنگ‌های صاف تراشیده ساخته شده است. در این جا فشردگی برج‌ها به چشم نمی‌خورد. این بنا به احتمال فراوان، یک استحکام نگهبانی بر سر راه دره اشنویه به دشت اورمیه بوده است.<sup>۲</sup>

در پانزده کیلومتری شرق اشنویه، خرابه‌های گالاتگاه روی یک تپه بسیار بزرگ و برجسته وجود دارد. در برخی جاها دیوارهای دفاعی ساخته شده از سنگ صاف تراشیده باقی مانده‌اند. از فراز این تپه تمام وادی اشنویه و بخشی از وادی سولدوز دیده می‌شود. یافته‌های گالاتگاه با دوره سوم حسنلو مطابقت دارند. سفال این جا همانند یافته‌های حسنلو و زیویه، شامل محصولات سفالی یکرنگ خاکستری و سرخ با زمینه کنده‌کاری و تزیین شده با حواشی مثلثی و ساده است. علاوه بر این، بقایای چند ظرف سرامیکی سرخ، ظریف و به دقت

1. W. Kleiss. Survey in Azerbaijan. "Iran", VII, 1969, p. 188.

2. W. Kleiss. Bericht Über Erkundungsfahrten in Iran im Jahre 1970, "Archaeologische Mitteilungen aus Iran", 4, 1971, p. 51-59.

لعابکاری شده با نوع اورارتویی یافت شده است. همچنین از این جا مهرهایی به شکل استوانه فروهشته با نوع اورارتویی یافت شده‌اند که از سنگ سفید و با تصویر حیوان در حال گریز ساخته شده‌اند. استوانه حلقه کوچکی جهت آویختن دارد. نمونه یافت‌شده در گالاتگاه نخستین یافته در شمال غربی ایران است. در این جا کتیبه اورارتویی بر بلوک‌های سنگی شکسته نیز یافت شده است. در متن کتیبه، نام‌های ایشپوئین و منوا فرمانروایان اورارتو برده شده است.<sup>۱</sup>

در جنوب شرق ماکو در دره رود آغ چای و نزدیک روستای بستام، قلعه شکوهمند و سالمی بر جای مانده که بنا به عظمتش می‌توان با قلعه وان و توپراق‌قالا مقایسه‌اش کرد. بر اساس کتیبه‌ای که پیش‌تر از این جا یافت شده و اکنون در موزه باستان‌شناسی تهران نگهداری می‌شود، معین شده بود که این قلعه در دوره روسای دوم (تقریباً ۶۸۵ تا ۶۴۵ قبل از میلاد) فرمانروای اورارتو احداث شده است. در این کتیبه در باره «شهر کوچک روسا» و همچنین احداث معبدی متعلق به خدای خالدی سخن به میان آمده است.<sup>۲</sup>

در تطابق با بیان کتیبه مبنی بر این که «در آن جا هیچ چیزی ساخته نشده بود»، کاوش‌های باستان‌شناسی تنها یافته‌های اورارتو را به دست می‌دهند. به نظر و. کلایس، روساخینلی در دوره نابودی دیگر دژهای اورارتو تقریباً در سال ششصد قبل از میلاد ویران و سوزانده شده است. بعداً چون این منطقه مرکز جمعیت شد، اثر به صورت یک طبقه باقی ماند. قلعه با استحکامات تراس دار و دیوارهای مستحکم، احاطه شده است. در قسمت‌های شمال و جنوب، بقایای دروازه بزرگی وجود دارد. در بالاترین نقطه نارین‌قالا (دژ درونی) و در قسمت جنوبی، انبارهایی حاوی خُم‌های بزرگ وجود دارند که با علائم میخی حجم آن‌ها نشان داده شده‌اند. از این بناها مقدار زیادی سفال با لعاب سرخ یافت شده است. لوحه‌های گلی دارای ماهیت اقتصادی اهمیت فراوانی دارند. بنای معبدی مربعی‌شکل، یکی از این بناها به شمار می‌رود. لوحه سنگی دارای نام خالدی خدای اورارتو، این را تأیید می‌کند. در دامنه تپه سکونتگاهی وجود داشته که با قلعه هم‌دوره بوده است. بقایای ساختمان‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها با آجر خام و بر پی‌های سنگی احداث شده‌اند. از این جا مهرهای

1. O. W. Muscarella. Qalatgah: An Urartian Site in Northwestern Iran, p. 45 – 48.

2. Г.А. Меликишвили. УКН, 280.

استوانه‌ای و لوحه‌های گلی با خط میخی یافت شده است. سکونتگاه همزمان با قلعه نابود شده است.<sup>۱</sup>

کاوش‌های باستان‌شناسی توسط ج. بارنی در هفتوان‌تپه، یکی از چهار تپه بلند جنوب شهر شاپور در نزدیکی دریاچه اورمیه انجام شده است. در نتیجه پژوهش‌ها هفت دوره در این جا معین شده که از هزاره سوم قبل از میلاد تا سده‌های میانه را شامل می‌شود. اگر برخی انحرافات را در توالی لایه‌ها در نظر نگیریم، با دوره‌بندی پذیرفته‌شده برای حسنلو هماهنگ می‌شود.

دوره پنجم هفتوان‌تپه، فعالیت فشرده ساختمانی را آشکار می‌سازد. از این ساختمان‌ها محصولات سفال خاکستری و همچنین محصولات سفال سرخ در ادامه ادوار پیشین یافت شده است. این‌ها عبارت از خم‌های بزرگ یا ظروفی با لوله یا گلوی باز هستند. ظروف با خطوط موجی یا با مثلث‌هایی تزیین شده‌اند.

بناهای اساسی در رأس تپه (که ج. بارنی آن‌ها را به اورارتو مربوط می‌داند) و در زیر آن یعنی طبقه چهارم هستند. چندین گور مربوط به سده‌های هشتم و نهم پیش از میلاد نیز به دوره پایانی تعلق دارد. زنجیرهای بلند مفرغی، منجوق‌ها و ظروفی به شکل کتری، رابطه تنگاتنگی را با دوره چهارم حسنلو آشکار می‌سازد.<sup>۲</sup>

س. کرول گزارش جامعی از پژوهش‌های باستان‌شناسی مناطق شرقی سرزمین آذربایجان را به دست داده است. این‌ها ادوار مختلفی را از نظر گاهشمار شامل می‌شوند. از قلعه آغ‌قالا در ۴۴ کیلومتری شمال غرب اردبیل سفال‌هایی کشف شده که از نظر شکل به دوره نخستین آهن تعلق دارند.

اثر س. بلک نخستین پژوهشی است که به تاریخ ما‌نا اختصاص یافته است. ملیکی‌شویلی در مقاله‌ای، تاریخ سیاسی ما‌نا را نسبتاً همه‌جانبه روشن کرده است. او همچنین در اثر دیگرش به تاریخ سرزمین‌های حوضه اورمیه و ترکیب قومی اهالی ساکن این‌جا در اواخر

1. *W. Kleiss*. Bastam. Survey of Excavations in Iran during 1968–69. "Iran" VIII, 1970. p. 176–178; Excavation of the Urartian Fortress Rusahinili, Bastam, 1969. "Bulletin of the Asia Institute Pahlavi University", 3, Shiraz, 1973, p. 16–24; *S. E. Kroll*. Excavations of Bastam. "Archaeology", 4, XXY, 1972, p. 292–297.

2. *G. A. Burney*. Haftavan Tepe. Survey of Excavation in Iran 1967–68 Iran", VII, 1969, p. 177–179; Excavation at Haftavan Tepe, 1968. First Preliminary Report. "Iran", VIII, 1970. p. 160–170; Excavation at Haftavan Tepe, 1972. Thirt Preliminary Report. "Iran", XI, 1973, p. 153–172.

هزاره دوم پیش از میلاد و اوایل هزاره نخست پیش از میلاد به صورت ویژه توجه کرده است. او در هر دو اثر خود به این نتیجه می‌رسد که روند لایه‌بندی طبقاتی مردمان مانا، همچنان‌که در منابع اورارتو و آشور در آن زمان تأیید شده، بسیار عمق یافته و بردگان توده اصلی تحت استثمار اهالی بودند.

ای. دیاکونف در کتاب *تاریخ ماد* و اقرار علی‌یف در کتاب *تاریخ ماد* [ترجمه فارسی با عنوان *پادشاهی ماد* (انتشارات ققنوس)]، تاریخ مانا را به عنوان نخستین ساختار دولتی در سرزمین ماد آینده و همچنین منسوبیت‌های قومی احتمالی ماناها را بررسی کرده‌اند. تاریخ مانا و طوایف ولایات آن ارتباط تنگاتنگی با تاریخ مادها دارد؛ همان‌ها که در سده‌های هفتم و هشتم پیش از میلاد سرزمین مانا را تسخیر کردند و به وارثان تمدنی تبدیل شدند که در زمان خود به مراتب والای ترقی رسیده بود.

دیاکونف بر اساس منابع نوشتاری آشور تشکیل، رشد و تاریخ سیاسی دولت مانا را پژوهش کرده است. او حملات فرمانروایان آشور به حدود اورمیه را تحلیل کرده و ایالات مختلفی را که نامشان در منابع آمده، مکان‌یابی کرده است. علاوه بر این دیاکونف به فرهنگ قومی مختلف طوایف حوضه اورمیه مانند لولوبی‌ها، گوتی‌ها، کاسی‌ها، هوری‌ها و عیلامی‌ها و مسائل دیگر به صورت همه‌جانبه پرداخته است.<sup>۱</sup>

او از این نظر دفاع می‌کند که هوری‌ها در حدود شرقی دریاچه اورمیه پخش شده‌اند. پژوهش‌های جدید روی جاینام‌های دولت مانا، خویشاوندی آن را با هوری‌ها نشان می‌دهد. هنر تصویری مانا وجوه مشترکی با هنر تصویری هوری دارد.

دیاکونف بر این عقیده است که دولت مانا تا حد زیادی ساختار طایفه‌ای یا همان بقایای جامعه نیرومند ابتدایی را حفظ کرده بود و قدرت فرمانروا را شورای ریش‌سفیدان محدود می‌کرد. او فرض می‌کند که سرزمین مذکور «در سده‌های نهم تا هفتم پیش از میلاد در نخستین مرحله رشد جامعه طبقاتی و دولت بوده است».<sup>۲</sup> دیاکونف جامعه مانا را نوعی جامعه برده‌دار نخستین حساب می‌کند که از حدود جامعه ریش‌سفیدی و برده‌داری خانگی خارج نشده است.<sup>۳</sup>

1. *И. М. Дьяконов. История Мидии*, p. 98–134.

2. *И. М. Дьяконов. История Мидии*, p. 154.

۳. همان منبع. ص ۱۷۵.

اکنون نمونه‌های به دست آمده از تمدن این مناطق، امکان می‌دهد تا در باره بخش‌های مختلف اقتصادی، تعمیق بیش‌تر طبقاتی شدن و موجودیت جامعه طبقاتی پیشرفته نظر دهیم. اقرار علی‌یف در پژوهش خود، به صورت گسترده از یافته‌های باستان‌شناختی مربوط به دوره پارینه‌سنگی در فلات ایران، همراه با مطالب منابع نوشتاری استفاده کرده است. او اشیاء به دست آمده از تپه‌های سیلک، گیان، حصار، گوی‌تپه و سوز مربوط به دوره پایانی مفرغ را از نظر می‌گذراند ولی این اشیاء از سرزمین دولت مانا برکنار هستند.

اقرار علی‌یف توجه بسیاری به روند تشکل دولت در سرزمین آتی ماد غربی و همچنین دولت مانا مبذول می‌کند. او بر این عقیده است که «جامعه مانا در سرزمینی با سنت‌های دیرین و در منطقه‌ای تشکیل یافته بود که قسمت کوهستانی ماد آینده و دیرزمانی در فلات ایران از نظر اقتصادی و فرهنگی پیشرفته بوده است».<sup>۱</sup>

علی‌یف اساساً یافته‌های نام‌شناسی ایالات مانا، گیلزان، کی‌روری، زاموا، پارسوا و دیگر ایالات همسایه را با زبان‌های «زاگرس ایلام» و بخشی به «گوتی-قفقاز» یا «سوبار-هوری» مربوط می‌داند.

تاریخ مانا به عنوان یک دولت موجود در سرزمین آذربایجان، در کتاب تاریخ آذربایجان<sup>۲</sup> بررسی شده است. برخی مسائل تاریخ سیاسی و اقتصادی و هنری این ولایات نیز در ارتباط با کشورهای همسایه روشن شده است.

ب. پتروفسکی در آثار خود<sup>۳</sup> که به پژوهش در باره دولت اورارتو اختصاص یافته، به برخی مسائل تاریخ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی طوایف ایالات اطراف اورمیه پرداخته است. مسائل اقتصادی، نظامی، سیاسی و تاریخی و جاینام‌شناسی ایالات شمالی و شمال شرقی حوضه اورمیه در کتاب‌هایی از آرتونیان به موضوع پژوهش تبدیل شده است.<sup>۴</sup>

مؤلف بر اساس پژوهش منابع نوشتاری، به این نتیجه می‌رسد که دولت مانا در آن سرزمین که از ایالات سانگی‌بوتو، باری، اوئیشدیش و مسی ضبط کرده بود، صاحب یکی از پیشرفته‌ترین مراکز کشاورزی بود و یک شبکه آبیاری داشت. این شبکه یا توسط دولت

۱. همان منبع. ص ۱۷۶.

2. с. 1, 1958, p. 23-36.

3. Б. Б. Пиотровский, «История и культура Урарту» (Ереван, 1944), «Искусство Урарту VIII-VII вв. до н. э.» (Л., 1962), «Ванское царство» (М., 1959).

4. Н. В. Артуноян, «Земледелие и скотоводства Урарту» (Ереван 1970).

اورارتو یا توسط اهالی محلی کشیده شده بود.<sup>۱</sup> مؤلف همچنین همراه با این سرزمین ذکر شده، پولوآدی، گیلزان و ایالات دیگر را نیز متعلق به ایالات دامدار دارای بازده می‌داند. مسئله گسترش طوایف ایرانی‌زبان در ایالات حوضه اورمیه، موضوع بسیاری پژوهش‌ها بوده است. ا. گراتوفسکی قانونمندی استفاده از نام‌های ایرانی در متون اکدی‌زبان را تبیین می‌کند. گراتوفسکی که مسئله نام‌شناسی (نام جای‌ها و آب‌ها) در متون میخی را به صورت سیستماتیک تحلیل کرده، بر این عقیده است که گسترش طوایف ایرانی‌زبان در ایران غربی، در نیمه اول سده نهم قبل از میلاد نیز معلوم بوده است. این وضعیت و همچنین وجود موارد باستان‌شناختی مربوط به طوایف ایران غربی و رابطه آشکار این موارد با یافته‌های قفقاز و قفقاز شمالی این امکان را به او می‌دهد تا احتمال دهد طوایف ایرانی‌زبان از قفقاز عبور کرده و به غرب ایران آمده‌اند.<sup>۲</sup>

کتابی از سولیمیرسکی به ظهور اسکیت‌ها در آسیای نزدیک اختصاص یافته است.<sup>۳</sup> در این پژوهش، منابع نوشتاری و یافته‌های باستان‌شناسی در طول رود ولگا، قفقاز شمالی و سرزمین آذربایجان نیز مورد توجه بوده است. مؤلف گورهای یافت‌شده را به تمدن اسکیت‌ها مربوط می‌داند و مسیر حرکت آن‌ها را از شمال به جنوب تعقیب می‌کند. او ظهور اسکیت‌ها در آسیای نزدیک را به سده نهم قبل از میلاد مربوط می‌داند.

ر. گیرشمن در مقالات مختلف و همچنین آثاری که به تاریخ و باستان‌شناسی ایران باستان اختصاص داده، در ارتباط با ظهور طوایف ایرانی‌زبان در این جا، اهمیت ویژه‌ای به

۱. دیاکونف در مقاله‌ای به مسئله شبکه آبیاری و مجموعه معماری مربوط به آن پرداخته که اهالی بومی در احداث آن شرکت داشته‌اند. در مقاله آمده است که از این‌ها هم در کارگاه‌های درباری، باغ‌ها و مزارع شخصی و هم برای اراضی قبلاً آبیاری نشده استفاده می‌شد. آبراهه‌های احداث شده نه تنها زمین‌های فرمانروا بلکه زمین‌های اهالی را نیز تأمین می‌کرد. نگاه کنید به:

И. М. Дьяконов, «К вопросу о судьбе пленных в Ассирии и Урарту» (ВДИ, 1, 1952, p. 90–100).

2. Э. А. Грантовский. Иранские имена из приурмийского района IX–VIII вв. до н. э., сб. «Древний Мир», 1962. p. 250–266; Древнее этническое название\* Parsava—Parsa, KSINA, 1961, XXX; Ранняя история иранских племен Передней Азии, М., 1970; О распространении иранских племен на территории Ирана. «История Иранского государства и культуры», М., 1971.

3. T. Sulimirski, «Scythian Antiquities in Western Asia», *Artibus Asia*, (XVII, 3/4, 1954).